دنـــا؛ آخرین سفر ناوی که دور دنیا را پیمود





گـروه گـزارش: دنا یک بـار دور دنیـا را پیمود و سـالم به بندرعبـاس رسـید. در آخریـن مأموریت، پـس از حضور در رزمایش «میلان» در شـرق هند، راهی ایران شـد؛ سفری که این‌بار به اسـکله نرسـید. روز ۱۳ اسـفند ۱۴۰۴، در نخستین هفته جنگ ۴۰روزه، یک زیردریایی نیروی دریایی آمریکا دنا را در اقیانوس هند، نزدیک ساحل جنوبی سریلانکا، هدف قرار داد و ناو غرق شد. طبق آمار رسمی، از ۱۳۶ نفر خدمه، ۱۰۴ نفر به شهادت رسیدند و ۳۲ نفر، همگی مجروح، نجات یافتند. در اردیبهشـت ۱۴۰۲، مسافت سفر دنا خبر بود؛ در اسفند ۱۴۰۴، سرنوشت کسانی که به خانه برنگشتند. هفتم آذر، روز نیروی دریایی ارتش، فرصتی اسـت برای دیدن بخش دیگری از این کارنامه: روزهای طولانی کار در دریا، انتظار خانواده‌ها در خانه و فاصله‌ای که میان خبر نجات خدمه و رسـیدن بازماندگان به ایران افتاد.

دنا از آخرین سـفرش بازنگشـت اما روایت آن سفر در روز حمله تمام نشد.

بازگشتی که بندرعباس جشن گرفت

روز شـنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، در بندرعباس از دو شناور استقبال شد که حدود هشت ماه پیش برای سفری به دور دنیا از همین بندر راه افتاده بودند. یکی دنا بود و دیگری مکران، ناوبندری که پشتیبانی سفر را بر عهده داشـت. این دو شـناور، ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش را تشکیل می‌دادند. تا هنگام بازگشت، حدود ۶۵ هزار کیلومتر راه پیموده بودند. این نخستین بار بود که یک ناوگروه ایرانی سفر کامل به دور دنیا را به پایان می‌رساند. دنا در مرکز توجه قرار گرفت، اما مسافت ثبت‌شده حاصل کار یک ناوگروه بود، نه یک شناور تنها.

دنا و مکران از اقیانوس هند به اقیانوس آرام رسـیدند، از تنگه ماژلان در جنوب آمریکای جنوبی گذشـتند و وارد اقیانوس اطلس شـدند. در ادامه مسـیر، ناوگروه در بندر ریودوژانیرو در برزیل و در کیپ‌تاون، در جنوب آفریقا، توقف کرد. روی نقشه، هر بندر یک نقطه است؛ در برنامه سفر، توقف فرصتی برای تأمین نیازهای ادامه راه و رسیدگی به وضعیت شناورهاسـت. در مسیری با این طول، نمی‌شـود تأمین آب و آذوقه و رسـیدگی به تجهیزات را موضوعی فرعی دانسـت یـا همه کارها را به توقف بعدی واگذاشـت. همراهی مکران نشان می‌داد که پیمودن مسیر فقط به آماده‌بودن دنا بسـتگی نداشت. حدود هشـت ماه دریانوردی، علاوه بر طی‌کردن مسـافت، مسـتلزم تأمین شرایط کار و زندگی روی دو شناور بود.

از کارگاه تا آب‌های آزاد

دنـا در ۲۴ خرداد ۱۴۰۰، هم‌زمان با شـناور مین‌شـکار «شـاهین»، به ناوگان جنوب نیروی دریایی ارتش پیوست. این شـناور از خانواده «موج» بود، در ادبیات رسمی ایران «ناوشکن» خوانده می‌شد و نامش را از کوه دنا در رشته‌کوه زاگرس گرفته بود. طراحی آن در سـال ۱۳۹۱ و سـاخت بدنه از سـال بعد آغاز شد. کار سـاخت در آبان ۱۳۹۹ به پایان رسـید؛ چند مـاه پیش از آنکه دنا رسـما به ناوگان بپیونـدد. در زمـان معرفی دنـا، از به‌کارگیری بیش از ۹۶ سـامانه و انجـام حدود ۱۳ هـزار فعالیت برای سـاخت و تجهیز شناور خبر داده شد. طرح با مشارکت ۱۴۷ مجموعه صنعتی، دانشگاهی و پژوهشی داخلی پیش رفت و مجموع کار انجام‌شده حدود دو میلیون و ۴۷۵ هزار نفرساعت اعلام شـد؛ واحدی که حجم کار افراد را نشان می‌دهد، نه مدت اجرای پروژه. پشـت این ارقـام، کار گروه‌هایی بود که باید اجزای ساخت و تجهیز شناور را با هم هماهنگ می‌کردند؛ از بدنه و سـامانه رانش گرفته تا بـرق، ناوبری و مخابرات. تحویل شـناور پایان این کار مهندسـی نبود: تجهیزات در دریـا هـم باید بازبینـی و نگهداری می‌شـدند، آن هم در شرایطی که دسترسی به کارگاه و امکانات ساحلی همیشه ممکن نبود. سفر دور دنیا نشان داد کارنامه دنا را نمی‌توان فقط با تاریخ سـاخت و الحاق نوشـت؛ باید آن را در کنار تجربه کار خدمه با یک شناور ایرانی در آب‌های دور خواند.

از خبر نجات تا آمار رسمی

پس از غرق‌شدن دنا، نیروهای امدادی سریلانکا در عملیات جسـت‌وجو و نجات خدمه مشارکت کردند. ۳۲ نفر از حادثه جان بـه در بردند و برای درمان به بیمارسـتانی در گاله، در سـاحل جنوبی سـریلانکا، منتقل شـدند. نخسـتین خبرها هم‌زمان با جریان عملیات امداد منتشر می‌شدند؛ آمار افرادی که تا آن لحظه پیدا شده بودند، هنوز شمار نهایی تلفات نبود. روز ۱۷ اسفند، چهار روز پس از حمله، در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام شـد که دنا ۱۳۶ نفر خدمه داشته است: ۱۰۴ شهید و ۳۲ مجروح. در این آمار، ۳۲ مجروح همان ۳۲ نجات‌یافته‌اند، نه گروهی جدا از آن‌ها.

از میان ۱۰۴ شـهید، پیکر ۸۴ نفر شناسایی شد و به ایران بازگشـت؛ ۲۰ نفر نیز جاویدالاثر اعلام شدند. این ۲۰ نفر در شـمار ۱۰۴ شـهیدند، نه افزون بر آن. روز ۲۶ اسفند، برنامه تشـییع پیکر ۸۴ شـهید برای بعدازظهر روز بعد اعلام شـد. مسـیر مراسـم از میدان انقلاب تهران به سمت معراج شهدا تعیین شـده بود. ناوسروان حمیدرضا عشایری، از بازماندگان دنا، در روایت خود از حادثه گفت: «ما ۸۴ شهید گلگون‌کفن داشـتیم که توانسـتیم پیکرهایشـان را به خانواده‌هایشـان برگردانیم؛ اما ۲۰ نفر از برادران ما برای همیشـه جاویدالاثر شـدند.» پشت این تفکیک، دو تجربه متفاوت از سوگ وجود داشت. برخی خانواده‌ها امکان تشییع و وداع با پیکر عزیزشان را پیدا کردند. برای خانواده‌های جاویدالاثران، خبر شـهادت رسید، اما پیکری برای بدرقه به خانه نرسید.

پایان نوبت کار، پایان دریانوردی نیست

کسی که در خشکی کار می‌کند، معمولاً با پایان نوبت از محل کارش بیرون می‌رود. روی ناو، پایان شیفت فقط به این معناست که کار به نفر بعد تحویل داده شـده است. کسی که نوبتش تمام شـده، در همان شناور غذا می‌خورد، استراحت می‌کند و برای نوبت بعد آماده می‌شود. کنار کار عرشه، موتورخانه و بخش ناوبری، کارهایی هسـت که در خبر مأموریت کمتر دیده می‌شـود: آماده‌کردن غذا، رسیدگی به بیماران و نگهداری از وسیله‌ای که هم محل کار است و هم محل زندگی.

در مأموریت‌هـای طولانی، شـرایط دریا با برنامه اسـتراحت خدمه تنظیم نمی‌شـود. تغییر وضع هوا، تکان‌های شـناور یا کاری که نمی‌توان تا رسیدن بـه بندر عقب انداخت، می‌تواند فرصت اسـتراحت را کوتاه کند. هنگامی که ناو از سـاحل دور اسـت، جایگزین‌کردن یک قطعه یا رسـاندن یک بیمار به مرکز درمانی هم به‌سـادگی خشکی نیسـت. برای خانواده‌ها، دشواری شکل دیگـری دارد. امور خانه در غیاب یکی از اعضـای خانواده ادامه پیدا می‌کند و مناسـبت‌هایی فرا می‌رسد که دریانورد نمی‌تواند در آن‌ها حاضر باشد. عدد روزهای یک مأموریت واحد اسـت، اما در دریا با نوبت کار و در خانه با مدت دوری سنجیده می‌شـود. بازگشت، پایان مشترک این دو تقویم است؛ پایانی که در سفر آخر دنا برای بسیاری از خانواده‌ها رقم نخورد.

رزمایش پیش از جنگ بود؛ حمله در راه بازگشت رخ داد

پیش از آغاز جنگ، دنا به دعوت نیروی دریایی هند به بندر «ویساکاپاتنام» در سـاحل شـرقی آن کشـور رفت. مأموریت، حضور در رزمایش چندملیتی «میلان ۲۰۲۶» بود؛ برنامه‌ای که در آن شناورها و هیئت‌هایی از ده‌ها کشور حضور داشتند. در مرحله بندری، نشست‌های تخصصی و برنامه‌های آموزشی پیش‌بینی شـده بود. بخش دریایی نیز فقط به رژه شـناورها محدود نمی‌شد و در برنامه آن، تمرین جست‌وجو و نجات هم گنجانده شده بود. خبر حضور دنا در رژه دریایی ۴ اسفند ۱۴۰۴ منتشر شد. این تصویر به روزهای پیش از جنگ تعلق داشـت؛ دنا برای حضور در برنامه‌ای از پیش تعیین‌شـده به هند رفته بود، نه برای ماموریتی که پس از آغاز درگیری به آن اعزام شده باشد.

جنگ در ۹ اسـفند ۱۴۰۴ آغاز شد. دوره‌ای که در ایران «جنگ ۴۰روزه» خوانـده می‌شـود، از آن روز تا اعلام آتش‌بـس در ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ ادامه داشت. چهار روز پس از آغاز درگیری، در ۱۳ اسفند، برابر با ۴ مارس ۲۰۲۶، یـک زیردریایی نیروی دریایـی آمریکا دنا را هدف قـرار داد. ناو که در حال بازگشت از هند بود، در اقیانوس هند، نزدیک ساحل جنوبی سریلانکا و بیرون از آب‌های سـرزمینی آن کشور، غرق شد. این ترتیب برای فهم ماجرا اهمیت دارد: برنامه اعزام و حضور در رزمایش پیش از شـروع جنگ بود، اما بازگشت در روزهایی انجام می‌شد که جنگ آغاز شده بود. نخستین خبرها از منطقه‌ای می‌رسید که نه محل برگزاری رزمایش بود و نه آب‌های نزدیک ایران.

شش هفته تا بازگشت بازماندگان

نجـات در دریا به معنـی پایان خطر فوری بود؛ انتقال به بیمارسـتان آغاز مرحلـه دیگری از حادثه. مجروحان در کشـوری تحت درمـان قرار گرفتند که پیش از آن جزو مقصدهای اعلام‌شـده مأموریت نبود. پس از امداد، برای بازگشـت آن‌ها نیز باید هماهنگی جداگانه‌ای صورت می‌گرفت. حدود شش هفته بعد، در ۲۶ فروردین ۱۴۰۵، ۳۲ بازمانده دنا به ایران بازگشـتند. آن‌ها ابتدا وارد مشهد شدند و پس از استقبال به تهران رفتند.

از زمان حمله تا بازگشـت بازماندگان، آنچه در دو سـاحل اتفاق می‌افتاد، یکسـان نبود. در سـریلانکا، درمان مجروحان و هماهنگی بازگشتشان ادامه داشت. در ایران، خانواده‌ها خود را برای استقبال از بازماندگان یا تشییع شهدا آماده می‌کردند. برای خانواده‌های جاویدالاثران هم اعلام آمار، جای بازگشت پیکر را نگرفت. در اردیبهشت ۱۴۰۲، رسیدن دنا به بندرعباس پایان مأموریت را برای خدمه و خانواده‌ها به یک روز مشـترک تبدیل کرده بود. در سفر آخر چنین روزی در کار نبود. خبر حمله در اسـفند منتشـر شـد؛ خبر بازگشت مجروحان در فروردین رسید. فاصله این دو خبر، بخشی از سرگذشت دناست که در روایت روز غرق‌شدن ناو دیده نمی‌شود.

هفتم آذر؛ از پیکان تا دنا

در ۷ آذر ۱۳۵۹، کمی بیش از دو ماه از آغاز جنگ ایران و عراق می‌گذشت که عملیات «مروارید» در خلیج فارس انجام شـد. نیروی دریایی با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش وارد عمل شد. پایانه‌های نفتی «البکر» و «الامیه» که در صـادرات دریایی نفت عراق نقش داشـتند، در جریان عملیات از کار افتادند. ناوچه ایرانی «پیکان» نیز در همان نبرد از دسـت رفت. هفتم آذر به یاد آن عملیات، روز نیروی دریایی ارتش نام گرفت.

پیـکان و دنـا در دو جنگ و دو موقعیت متفاوت از دسـت رفتند؛ یکی در جریـان عملیـات دریایی در خلیج فارس و دیگـری در اقیانوس هند، هنگام بازگشـت از یک رزمایش. وجه مشترکشـان نه محل حادثه اسـت و نه نوع مأموریت. تاریخ نیروی دریایی ایران از روزهایی نوشته شده که موقعیت خدمه با شروع یا گسترش جنگ تغییر کرده است؛ گاه در جریان یک عملیات و گاه در میانه راه بازگشت. کنار هم گذاشتن نام پیکان و دنا، بیش از آنکه مقایسه دو نبرد باشد، یادآوری این تفاوت است: بار نخست، واقعه‌ای در آب‌های خلیج فارس به تاریخ هفتم آذر معنا داد و دهه‌ها بعد، حادثه‌ای در نزدیکی سریلانکا ابعاد دوردست خدمت در دریا را دوباره در کانون توجه قرار داد.

وقتی امنیت دریا به بازار می‌رسد

در جنگ هشت‌ساله، کار نیروی دریایی به نبرد با شناورهای نظامی محدود نبود. همراهی کشتی‌های تجاری و حفاظت از مسیر رفت‌وآمد آن‌ها نیز بخشی از مأموریت بود. این بخش از تاریخ جنگ کمتر از ماجرای یک ناو یا یک نبرد در خاطره‌ها مانده است؛ شاید چون نتیجه کار را نه در تصویری از روی عرشـه، بلکه در رسـیدن یک محموله به بندر می‌شد دید. برای آنکه بار یک کشتی به کارخانه، انبار یا فروشگاه برسد، ابتدا باید سفر دریایی در زمان قابل پیش‌بینی پایان یابد. پس از آن نوبت تخلیه، ترخیص و حمل زمینی است. وقفه در هر بخش از زنجیره می‌تواند اثر وقفه‌های دیگر را هم بیشتر کند.



طولانی‌شـدن مسـیر یا تأخیـر در ورود به بندر فقط به معنای چنـد روز جابه‌جایی در تقویم نیسـت. برای واردکننده، می‌تواند زمان تحویل و هزینه حمـل را تغییر دهد؛ برای کارخانه‌ای که ذخیره محدودی از مواد اولیه دارد، ممکن اسـت برنامه تولید را جابه‌جا کند. امنیت مسیر به‌تنهایـی نه رسـیدن بار به بازار را تضمین می‌کند و نـه بهای کالا را تعیین می‌کند، اما یکی از شـرط‌های برنامه‌ریزی برای تأمین است. این وجه از حرفه دریانوردی را می‌توان کنار سرگذشت دنا دید، بی‌آنکه کارنامه یک ناو را معادل کارنامه همه ناوگان دانست. در هفتم آذر، یاد خدمه کنار اهمیت کاری قرار می‌گیرد که وقتی درست پیش می‌رود، کمتر خبرساز می‌شود: رساندن شناور و سرنشینانش به مقصد.

سخن پایانی

در ۲۷ شـهریور ۱۴۰۵، یکی از خیابان‌های بندرعباس به نام «شهدای ناو دنا» نام‌گذاری شد. سه سال پیش، بندرعباس نقطه پایان سفر دور دنیا بود و نـام دنا با مسـافتی که پیموده بود در خبرهـا می‌آمد. اکنون همان نام بر تابلویی در شـهر دیده می‌شود؛ این‌بار به یاد دریانوردانی که از آخرین سفر برنگشتند.

هفتم آذر امسال، نخستین روز نیروی دریایی پس از غرق‌شدن دناست. از پیکان تا دنا، نام شناورها در تاریخ می‌ماند، اما برای دیدن زندگی خدمه باید به روزهای میان رفتن و بازگشـت نگاه کرد: به نوبت‌های کاری پی‌درپی در دریا و به خانه‌هایی که در آن‌ها روزهای دوری را می‌شمردند. در اردیبهشت ۱۴۰۲، پهلوگرفتن ناو پایان انتظار بود. در سـفر آخر، ۳۲ دریانورد زنده به خانه برگشـتند. برای شماری از خانواده‌ها، حتی پیکری بازنگشت تا بتوانند با عزیزشان وداع کنند. نام خیابان، یاد کسانی را به شهر بازگرداند که جای خالی‌شان همچنان در خانه مانده است.